

ویژه کمیته فرهنگی

قسمت سوم

فرهنگی انجام دهیم و اگر دست به اینکار بزنیم مسلما بجای خدمت (نعرفا با...) خیانت خواهیم کرد (۱)

ج - نشانه‌های کار فرهنگی:

با توجه بمطالب فوق، آنگاه میتوانیم بگوئیم کار فرهنگی انجام داده‌ایم که در پایان اعمال خود و مردم (روستائیان) ویژه‌گیهای ذیل بروشنی دیده شود:

(۱- ج) - خسته و نالان و دل‌سرد و ... تشنه باشیم، بلکه بنا به آیات «فاذا فرغت فانصب» و «والباقی» با نشاطی بیشتر (که از نشانه‌های متقین است) بکوشیم، انهم نه بطور معمول، بلکه سخت کوش (کسح) و بگونه «والعادیات ضیعا» - قسم به آن دوندگان سخت کوشش کننده‌ای که از شدت دویدن و تلاش، در حال نفس زدن هستند در پایان هر کار باید نشاطمان، سرعتمان، احساس فرمان و عظمت پروردگارمان و تقدس دینمان مارا پرشورتر و پرتلاش‌تر نموده و با قلبی متواضع‌تر و پر جوش‌تر و خلاق‌تر سیر الی ... را سلوک نمایم و زیباییهای چنین محیطی را ببینیم.

(۲- ج) - توقعات مادی خود را کمتر و کمتر نموده، بهمان میزان خود را به معنویات متعلق نموده باشیم اگر آن سیر و سلوک (که در بند قبیل بیان شد) را بنمایم و زیباییها را ببینیم، مسلما توکلمان بر خدا و وارهیگمان از مادیات بیشتر و بیشتر خواهد شد و به «نفس مطمئن» خواهیم رسید.

اما متأسفانه عکس این نشانه را کم و بیش در اعمال برادران جهادگرمی ببینیم! بجای آنکه هر روز که میگذرد وابستگی به وسائل و مصنوعات بشری خصوصا خارجی و بویژه آمریکائی کمتر شده باشد اینک بجائی رسیده‌ایم که محور کمیته فرهنگی و اساس فعالیتهای بچه‌های فرهنگی، وسائل سمعی و بصری شده است و جاهانیکه این مصنوعات امریکائی نباشد کم و بیش برادران عزیز ما از انجام کار فرهنگی عاجزند. در حالیکه میبایست به جانی رسیده باشیم که نفس گرم (عرفانی ما، سخنان ملکوتی، و رفتارهای انبیبانی، جذب کننده مردم روستا باشد و آنانرا آنچنان تحت تاثیر قرار دهد که از انجام هر کار دیگر به غیر از پذیرش فرهنگی آزمان که مشغول کار فرهنگی هستیم) باز مانند آنگونه که مردم را هنگام عبور از کنار منزل امام زین‌العابدین (وقتی که قرآن تلاوت مینمود) از حرکت باز میداشت و آنگاه پیامبر (ص) لب به سخن میکشود، صحابه پروانه‌وار بنور پیامبر (ص)

نگاهی دیگر به

مفاهیم

فرهنگ

* بر همه برادران فرهنگی

جهاد سازندگی فرض است که

بعنوان یکی از شیوه‌های اساسی

برای کار فرهنگی با مطالعه هرچه

دقیقتر شیوه‌های انبیاء و سیره ائمه

اطهار (ع) و با توجه به زمینه‌های

موجود در جامعه و تحلیلهای مداوم

و بازنگریهای مفید در عملکردهای

گذشته، همواره سیاست کار

فرهنگی و شیوه‌های تبلیغی را

برای خود مشخص نمایند.

در صحبت‌های قبل بیان شد که:
۱- دین «اسلام» کلیه فعالیت‌های فکری و روحی بشری را بر سه محور توحید و در عبادت، یقین به آخرت و تقوی ... شکل داده، علم، فلسفه، هنر، حقوق، تکنیک و ... را جلوه‌ای خاص بخشیده، و کیفیت روابط انسانها و آداب و رسوم اجتماعی را متأثر از احکام پنجگانه خود (حرام - واجب - مستحب - مباح - مکروه) میسازد.

۲- کار فرهنگی عبارتست از ایجاد تحول الهی در انسان

۳- فرهنگ عبارتست از کلیت دین آنگاه که در تمام شئون یک جامعه تحقق و عینیت مییابد. از این سه تعریف و بیان، نتایج ذیل بدست میآید:

الف - فرهنگ یک واژه جدایی از دین نیست که بخواهیم بگوئیم مثلا فرهنگ اسلام یا فرهنگ غرب و همچنین نه فرهنگ عین دین است و نه دین عین فرهنگ، بلکه همانگونه که در تعریف فرهنگ بیان شد اگر دین با نقشی که برایش بیان نمودیم در تمام شئون و فعالیت‌ها تاثیر گذارد و انسان تنها بر اساس احکام پنجگانه خود زندگی و فعالیت نماید (براساس تکلیف) در اینصورت هم دین وجود دارد و هم فرهنگ، دین بعنوان یک مقوله مطلق و فرهنگ بعنوان «عینیت دین در جامعه». لذا با توجه بدو نکته فوق‌الذکر (زیر آنها خط کشیده شده است) میبایستی از بکار بردن کلمه فرهنگ اسلام خودداری نمایم و هر کجا می‌خواهیم توضیحی برای فرهنگ دهیم، کلمه اسلام را داخل برانتز بیاوریم که معنی این عبارت «فرهنگ اسلام» چنین خواهد بود فرهنگی که عینیت اسلام است، نه فرهنگی که خود اسلام است و نه فرهنگی که جدای اسلام است. تذکر: برای رفع شبهه احتمالی به مقالات گذشته یکبار دیگر مراجعه و با دقت مطالعه کنید.

ب - کار فرهنگی آنگاه تحقق یافته است که نقش دین (آنگونه که بیان شد) در کلیه فعالیتهای زندگی تاثیر گذاشته، تجلی نموده باشد، به عبارت دیگر کار فرهنگی (خصوصا برای برادران جهادگر در روستا) آنگاه انجام شده است که هم فعالیت‌های خود آنان و هم فعالیتهای مردم (روستائیان) تنها بر اساس احکام پنجگانه صورت گیرد، باز بعبارت روشنتر آنگاه میتوانیم کار فرهنگی انجام دهیم که:

اولا - کلیت دین را بصورت مطلق و بشکل احکام پنجگانه یعنی بصورت فقهاتی درک کرده باشیم.

ثانیا - شرایط زمانی، مکانی و مردمی را شناخته

باشیم.
ثالثا - این قدرت را داشته باشیم که با ابتکارات و خلاقیت‌های خود، به نحو احسن و اصلح دین را متناسب با شرایط مذکور و با توجه به مطالبی که پیرامون سیاست و تبلیغ بیان شد در جامعه پیاده نمایم.
لذا تا زمانیکه این سه توانائی و استعداد را نداشته باشیم، نه فرهنگی هستیم و نه میتوانیم کار

می‌نشستند و عاشقانه و دلباخته به سخنان او گوش میدادند و

(۳- ج) شکرگزار خدا گردیده باشیم یعنی پس از عبور از هر سختی و گذشتن از هر اختلافی و حل نمودن هر مشکلی و سدی همه بدیها و همه افراد خطاکار را فراموش نمائیم و فقط نعمتهای خدا و منظور از این نعمتها را مورد نظر قرار داده و بیوند خود را با خدا و مردم بیشتر نموده باشیم که مسلما غیبت و تضعیف و دیگران بر خلاف این نشانه است.

خداوند در سوره عادیات پس از قسم خوردن به دوندگان سخت گوش با آنهمه صفات زیبا، میفرماید «ان الانسان لربه لکثور» هر آینه نوع انسان نسبت به پرورش دهنده‌اش ناسپاس است، یعنی انسان پس از اینهمه تلاش و کوشش باز از نعمتهای خدائی و دستاوردهای حرکت‌های الهی استفاده نمی‌کند و خود را در جهت خدا قرار نمیدهد و شکر گزار نبوده، بلکه ناسپاس است. و قابل توجه‌تر اینکه خداوند میفرماید «قلیل من عبادی الشکور» - و اندکی از بندگان من شکرگزارنده در اینجا بندگان صالح و یا دیگر بندگان (که خود نیز خوب و شایسته هستند) ذکر نکرده، بلکه بندگان خاص خود «عبادی» را ذکر کرده است، که این بندگان خاص خدا بنا به آیات آخر سوره والفجر افرادی هستند که دارای نفس مطمئن شده آن صفات عالیه را دارا میباشند به عبارت روشنتر و نگاهنده‌تر، حتی همه افراد مومن صالحی که به مرتبه عباد خدا رسیده و در نتیجه دارای نفس مطمئن شده‌اند، شکر گزار نیستند، بلکه اندکی از آنها شکر گزار هستند

۱- برای توجه بیشتر به خدمت یا خیانت باید بدانیم که یکی از ویژگیهای انسان «مسئولیت داشتن» اوست، در میان موجودات تنها انسان است که بعنوان یک موجود مسئول در قرآن مطرح شده است. به عبارت دیگر انسان تنها موجودی است که از کارش سوال میشود یعنی از او پرسیده میشود که چرا این کار را انجام دادی؟ و چرا آن کار را انجام ندادی؟ تنها انسان است که وقتی میخواهد کاری انجام دهد فکر می‌کند، می‌اندیشد، انتخاب می‌کند و آنگاه دست به عمل می‌زند و از اینرو در قیامت گفته می‌شود «وقفوه» آنهم مسئولین - نگهدارید اینها را، باید پرسیده شوند» و باز قرآن میفرماید «ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئول» یعنی گوش و چشم و دل، همگی آنها (در روز قیامت) از آنچه انجام داده‌اند مورد سوال هستند.

۲- شیوه‌های کار فرهنگی در اینجا درصدد آن نیستیم که شیوه‌های ارائه کار بهتر را معرفی نمائیم (این کار بصورت اجمالی در موضوع پنجم کمیسیون کار فرهنگی از دومین سمینار سراسری مسئولین فرهنگی جهاد سازندگی آمده است و توضیح بیشتر آن انشاءالله در آینده ذکر

* آنگاه می‌توانیم کار

فرهنگی انجام دهیم که:

اولا - کلیت دین را بصورت

مطلق و بشکل احکام پنجگانه

یعنی بصورت فقهانی درک کرده

باشیم.

ثانیا - شرایط زمانی، مکانی،

مردمی را شناخته باشیم.

ثالثا - این قدرت را داشته

باشیم که با ابتکارات و خلاقیت‌های

خود، به نحو احسن و اصلح دین را

متناسب با شرایط مذکور.... در

جامعه پیاده نمائیم.

هست. فقر فرهنگی، احساس مسئولیت برادران و کمبود نیروهای فرهنگی نیز کار بیشتر را ایجاب می‌کند. لذا ضعف نیروهای فرهنگی و انجام کارهای مکانیکی آنها با عوامل تشدیدکننده‌ای که ذکر شد، باعث میشود راه اصلی یعنی جوهره کار فرهنگی را فراموش نموده در یک مسیر صرفا مادی و مکانیکی قرارگیریم (که متأسفانه این ضعف در بین برادران دیده میشود) و پس از مدتی یا منفعل شده و از صحنه خارج می‌شویم و یا سوالاتی در ذهنمان ایجاد می‌شود و خیال می‌کنیم باید مفهوم کار فرهنگی را آنهم در یک قالب مادی نه در یک قالب معنوی و فرهنگی برای خود روشن کنیم که این نیز خطر جدیدی بدنال دومین خطر برای کار فرهنگی برادران عزیز می‌باشد. لذا با توجه به این سه خطری که برای تداوم کار فرهنگی وجود دارد لازم است بعنوان یکی از راههای جلوگیری از لغزش مرتباً عملکردهای فرهنگی خود را بازنگری نموده و تحلیل نمائیم تا چنانچه لغزشی در کار پیدا نموده ایم بازشناسیم و اگر ابتکار درگردهمانی‌های فصلی تخصصی کمیته‌های فرهنگی صورت گیرد، می‌توانیم کمیته‌های فرهنگی جهاد سازندگی را همواره در تلاش و خروش کار معنوی فرهنگی (ایجاد تحول الهی در انسان و جامعه) و این محل را مرکز جذب نیروهای فعال و پرتلاش نمائیم.

۲- د: تحلیلی از عملکرد جهاد سازندگی

همانگونه که روح عامل حیات ورشد انسان و روحانیت نیز عامل حیات ورتد جامعه می‌باشد یکی از وظایف کمیته‌های فرهنگی عامل حیات ورتد جهاد سازندگی بودن است. اگر کمیته‌های فرهنگی به لحاظ کار خود مستلزم اجرای کار فرهنگی هستند. جهاد سازندگی اصالتاً کار اجرایی و مادی و مکانیکی انجام می‌دهد و خطری را که برای کمیته‌های فرهنگی بیان نمودیم، بحراتب قوی‌تر و قابل توجه‌تر گریبانگیر جهاد نیز می‌باشد. از آن گذشته تراندای جهاد، نیروهای آن عمدتاً نیروهای انقلاب بودند. لکن بررور زمان عده‌ای از این نیروها از جهاد رخت بریستند و نیروهای جدیدی که انجمن نبودند جایگزین شدند. و تحلیلی از مشکلات و مسائلی را که جهاد پشت سر گذشته و طی کرده بیرون کشیدن تجارب مفید گذشته و پیدا کردن نقطه ضعف‌ها و نقص‌ها و عیوب، تجارب ناموفق و اتخاذ یک راه حل عملی مفید برای آنها، تحلیل از نهادی بودن جهاد و محاسن آن و وزارتخانه شدن جهاد و معایب آن، بررسی اینکه جهاد در انقلاب چه جایگاهی دارد و برای رسیدن به آن جایگاه چه باید کرد و بالاخره تمامی مسائل مبتلا به جهاد به عنوان یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی

۳- د: توجه به عوامل درونی کار فرهنگی

(سیاست - تبلیغ)

بقیه در صفحه ۷۶

خواسته شد) لکن درصدد هستیم که شیوه‌ها را ارائه دهیم که شروط لازم برای انجام کار فرهنگی (توسط برادران فرهنگی جهاد سازندگی) هستند و با انجام این کار میتوانیم خود را از انحراف در کار فرهنگی مصون داریم و یادآور می‌شویم که این شیوه‌ها منحصر به فرد نیستند و شیوه‌های دیگری نیز وجود دارد

۱- د: تحلیل از عملکرد کمیته‌های فرهنگی

یکی از تفاوت‌های اساسی یعنی معنویات و مادیات، ملموس بودن مادیات است. همه افراد مادیات را لمس و درک می‌نمایند ولیکن اندکند کسانی که معنویات را لمس و درک نمایند. بعنوان مثال همه افراد درددندان را درک می‌کنند ولیکن تنها سالکین راه خدا و خواص آن قادرند فقر وجودی انسان را درک نمایند یا لذتهای سلوک را بفهمند و کار فرهنگی چون از مقوله معنویات است و آثار آن کیفی است، ثمره دراز مدت دارد و در کوتاه مدت انجمن که باید و شاید توقع بهره برداری ملموس نمیتوان داشت و معمولاً هنگام انحراف از خط اصلی نیز که همان راه فطرت انسان و وحدانیت است قابل فهم نیست و این (ملموس نبودن سریع نتایج کار) بعنوان اولین خطر برای کار فرهنگی ماست.

از طرف دیگر همانطور که قبلاً اشاره شد کار فرهنگی مستلزم انجام کار مادی و مکانیکی نیز

چه موانعی در پیش ...

لطمه زدن و نکه دار نمودن اعتبار و حیثیت نظام جمهوری اسلامی زمینه را برای تضعیف نیروهای خط امام و لطمه زدن به اعتبار حاکمیتی که در جهت منافع مستضعفین گام بر میدارد و معالای قیسه کردن قدرت در دست خود فراهم نمائند.

چند ماهه اخیر را از نقطه نظر تحولاتی که در شکل بندی نیروها گذاشته است، مقلع مشخص تر شدن جناح بندیها و آشکارتر شدن مسوف و ظاهر شدن اختلافاتی میتوان دانست که در جامعه وجود دارد. در واقع بحث میان دو خط فکری و دو گرایش عمده و اعتقادی است.

برادر موسوی حسرت وزیر محترم جمهوری اسلامی در مصاحبه ای با مجله دانشگاه انقلاب نشریه جهاد دانشگاهی چنین گفته:

«گاهی صحبت از موانع میشود به اختلاف سلیقه ها اشاره میشود و راجع به مسائلی بحث می گردد که ممکن است ما را از اصل قضیه منحرف کند در حالیکه مسئله اختلاف سلیقه نیست»

با توجه به این مسائل، سازشکاری و کوتاهی آمدن در مقابل جریانهای که به نحوی از انحاء سعی در تضعیف نیروهای خط امام دارند خود یک انتخاب سیاسی است. و فی الواقع ریسک بزرگی است در دفع نیروهایی که علی رغبه تمامی مسائل و مشکلات باپای هسته هیروی تاکنون به پیش آمده اند و از انقلاب و آرمان هاشم ثابای جان دفاع کرده اند.

حفظ مواضع بدست آمده در جهت تحکیم پایه های نظام یکی از اصول ضروری انقلاب است. اما در صورتیکه این مواضع را بعنوان جزئی از دست آوردهای انقلاب، در خدمت استراتژی انقلاب بکار

بگیریم، نه اینکه حفظ مواضع بدست آمده ما را از بیگیری و تحقق بخشیدن به آرمانهای انقلاب و تهاجمی که لازمه آن می باشد باز دارد و احیاناً به اتخاذ حرکتی کج دار و مریض در سازش کاری با حاکمیت منتهی اند از خود یک جریان منفرد و ایزوله ساخته و بدون از واقعیتها و دردها و مصائبی که بر جامعه ما می گذرد، نگه داشته اند مجبور شویم.

در اینجا ناچار به ذکر یکی از این واقعیتها از زبان حجت الاسلام نوری نماینده محترم امام در جهاد سازندگی می یابیم: «خوب است آمار جهاد سازندگی را که در آبانماه سال ۱۳۶۰ گرفته شده برای شما بیان کنم... در یک نسبت سنجی می بینیم از تعداد ۵۵ هزار و ۲۲۴ روستای کل کشور و جمعیت ۲۱ میلیون نفری آن، میانگین روستاهای محروم که از ۱۰ نمونه نیازهای اولیه زندگی (آب

آزمایشی - بهداشت و درمانگاه - برق - مدرسه - جاده و...) یک انسان محروم هستند ۴۲ هزار و ۷۷۱ روستا با جمعیتی بالغ بر ۱۶/۲ میلیون نفر می باشد و به عبارت دیگر حدود ۷۵٪ روستائیان کشور که ۴۰٪ کل جمعیت کشور هستند از ۱۰ چیز مورد نیاز ضروری زندگی محروم هستند که اگر از هر ۱۰ چیز ذکر شده بی نیاز شوند، هنوز محرومیت آنها مرتفع نگشته و بسیار نیازمندیها دارند. تا به حد متوسط جامعه برسند» (۲) این یک واقعیت دردناک در باره بخشی از ملت ماست که در روستاها زندگی می کنند.

باری اگر خدای ناکرده این روحیه بر ما حاکم شود که به آنچه که دست یافته ایم، دلخوش باشیم و برای بقا و تحکیم موقعیت خود، موضعی انفعالی و سازش گونه در مقابل جریانهای مذکور داشته

باشیم، در حقیقت انقلاب را به نظامی تبدیل کرده ایم که لزوماً پایه های مادی خویش را طلب خواهد کرد و در آنصورت است که معنویت و ایشار از جامعه ما رخت بر خواهد بست و با دست خود سقوط و نابودی آنچه را که بدست آورده ایم، فراهم خواهیم کرد. البته تمامی بیروزیهایی که از زمان شروع انقلاب تا کنون داشته ایم مرهون این پیشش بوده که هیچگاه چیزی کمتر از اسلام را نخواسته ایم. البته نه اسلامی که منافع قشر مرفه جامعه، سرمایه داران و ثروتمندان را تامین نماید، بلکه اسلامی که زیربنای حرکت خود را تحقق اراده خداوندی میداند که فرمود «و نريد ان نمن على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين - قصص - ۵» و طبیعی است که مردم در مسیر حرکشان بر عناصری اعتماد و تکیه می کنند، که در این راستا گام میزنند و بر این اساس موضع می گیرند.

در خانمه با ذکر جمله ای از پیام حضرت آیت الله العظمی منتظری به مناسبت دهه فجر، بخش اول بحث را به پایان می بریم:

«اگر تحولی داخلی در خود و روش خود بوجود نیاوریم دستاوردهای انقلاب و خون شهیدان را به خطر انداخته ایم»

باورنی:

۱- برادر میر حسین موسوی در مصاحبه با مجله دانشگاه انقلاب نشریه جهاد دانشگاهی شماره ۲۲- فروردین ۱۳۶۲

۲- حجت الاسلام نوری نماینده امام در جهاد سازندگی - روزنامه اطلاعات مورخ ۲۶ اسفند ماه ۱۳۶۱

نگاهی دیگر به ...

در اولین موضوع از در بین گردهمایی مسئولان فرهنگی جهاد سازندگی بحثی به امور سیاست و تبلیغ بیان شد و در این سیاست و تبلیغ بعنوان دو عامل درونی (به عبارت دیگر پایه ای) مطرح گردید. سیاست بعنوان سوره و حکومتی ایجاد کار (عامل کبفی برای کار فرهنگی) و تبلیغ بعنوان تفهیم و تبیین فرهنگ (عامل کمی برای کار فرهنگی). تذکر مهم در این مورد است که هر دو، از آوردن این دو موضوع در بین گردهمایی مسئولان

درسی فرهنگی ایجاد عامل بود. به عبارت دیگر باید پس نتیجه دست یافته باشیم که تا زمانی که بر اساس یک سیاست معین و جهت دار همراه با تبلیغ که خود تبلیغ نیز احتیاج به سیاست دارد) در زمینه تحول اساسی فعالیت نماییم هرگز کار فرهنگی انجام داده ایم و یکی از سردرگمی برادران فرهنگی و احیاناً بریدن آنان در بین راه علاوه بر عملی که قبلاً ذکر شد، با علل دیگر، بدون سیاست و تبلیغ (به عنوان مثال در گردهمایی آمده است) شمل نمودن